

یادداشت

مجمع تشخیص اصلاحیه قانون انتخابات مجلس را بی‌خاصیت کرد

علی مزروعی

خبرنگار گروه سیاست

بعد از آنکه طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات در مجلس به تصویب رسید، خبرهای متعددی نیز از موافقت شورای نگهبان با تغییرات اعمال شده در رسانه‌ها منتشر شد. یکی از مهم‌ترین بندهای این طرح ماده ۵۳ آن، یعنی تغییر مدل انتخابات مجلس در حوزه انتخابیه تهران از اکثریتی به تناسبی بود. یکباره اما روز گذشته خبری در رسانه‌ها منتشر شد که مطابق آن ماده ۵۳ طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس با پیشنهاد هیات‌عالی نظارت حذف شد تا به این ترتیب این طرح اصلاحی مهم‌ترین کارکرد خود را از دست داده و عملایی خاصیت شود. علی حدادی، سخنگوی کمیسیون امور داخلی و شوراهای مجلس جزئیات نشست روز گذشته این کمیسیون را این‌گونه شرح داده است: «همه ایرادات شورای نگهبان به طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی رفع شد و گزارش کمیسیون شوراها جهت بررسی به صحن مجلس ارائه خواهد شد تا این مورد که اصلاح شده است، در صحن مجلس هم بررسی و رای گیری شود و مجددا به شورای نگهبان ارسال شود. همچنین ایرادات هیات‌عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام به طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در این جلسه بررسی شد. یکی از ایراداتی که مجمع تشخیص مصلحت نظام به طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی گرفته بود مربوط به برگزاری انتخابات تهران به‌صورت تناسبی بود که ایرادات آنان منبایی بود. نماینده مردم سواجباغ علت حذف این ماده مهم از طرح را این‌گونه توجیه کرد که «علت حذف این ماده از طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی آن بود که ما گفتیم اگر کمیسیون ودر ادامه صحن مجلس به این ماده اصرار کنند، ممکن است کل طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس تحت الشعاع این یک‌ماده قرار گیرد و به انتخابات اسفند امسال نرسد و بر این اساس تصمیم گرفتیم که این ماده را حذف کنیم.» این نخستین بار نیست که مجمع تشخیص یا را از حدود وظایف قانونی خود فراتر گذاشته و با دخالت در شأن قانونگذاری جایگاه این نهاد را زیر سوال می‌برد. در آخرین نمونه‌ای که مجمع در مصوبات مجلس دخالت کرده بود بند مربوط به واردات خودروهای زیر پنج سال کارکرد از مصوبه واردات خودرو حذف شده بود. بندی که حذف آن جنجال زیادی نیز در فضای مجازی به پا کرد و نهایتاً عدم اقعاع مجلس در مقابل توجیهات مجمع تشخیص باعث شد نمایندگان روز یکشنبه با ۱۷۸ رای موفق ماده واحده‌ای را به تصویب برسانند تا قانون واردات خودروهای زیر پنج‌سال کارکرد مجددا به قانون تبدیل شود و ضوابط آن را مشخص کنند.

اقدام غیرقانونی مجمع تشخیص مصلحت نظام

مطابق اصل ۱۱۲ قانون اساسی «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند تشکیل می‌شود.» مطابق نص صریح این بند از قانون اساسی مجمع تشخیص صرفاً زمانی شأن ورود به تعیین تکلیف قانون‌آوردان که مجلس شورای نگهبان بر سر اینکه مصوبه‌ای شرعی بوده یا با قانون اساسی تطابق داشته باشد یا یکدیگر اختلاف داشته باشند، در غیر این صورت ورود به مقوله قانونگذاری موازی کاری با مجلس تلقی می‌شود و جایگاه خانه ملت را از شأنیت می‌اندازد. امری که بارها تکرار شده و نمایندگان زیادی نیز به آن معترض هستند. در مورد مصوبه اخیر نیز اگرچه ورودی به ضابطه مجمع تشخیص به مساله محل انتقاد است اما علت این را که این رویه برای چندمین بار تکرار می‌شود باید بیش از همه در عدم صراحت نمایندگان برای دفاع از حق خود و نیز بهانه‌تراشی‌های احتمالی شورای نگهبان در موارد مختلف دانست.

شورای نگهبان خود را پشت مجمع تشخیص پنهان نکند

اگرچه هر زمان صحبت از کنار گذاشتن طرح‌های ماده‌ای از مصوبات مجلس بنا بر پیشنهاد مجمع تشخیص مجلس به میان می‌آید انگشت اتهام نیز به سمت مجمع نشانه می‌رود و این نهاد به اقدام خلاف قانون اساسی متهم می‌شود، اما یک مسیر قانونی نیز برای این امر وجود دارد. از آنجا که شورای نگهبان می‌تواند با ایرادات شرعی یا خلاف قانون اساسی دانستن یک مصوبه آن را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع دهد، این باب برای مجمع تشخیص در قانونگذاری نیز باز می‌ماند. این ورود صرفاً یا رعایت یکی از دو دید مذکور قانونی است و ایرادات ویرایشی و نگارشی شورای نگهبان توجیه مناسبی برای ارجاع یک مصوبه به مجلس و اعمال نظر این نهاد محسوب نمی‌شود. اقدام غیرقابل توجیهی که مطابق اظهارات سخنگوی کمیسیون شوراهای مجلس صورت گرفته است. مطابق آنچه علی حدادی در مورد مصوبه مجلس مبنی بر اصلاح موادی از قانون انتخابات گفته است: «پس از ایراد شورای نگهبان بر این مصوبه، مصوبه به هیات عالی نظارت ارجاع شد و نظر این هیات بر حذف این ماده از طرح مذکور بود.» این اظهارات به‌وضوح از نقش شورای نگهبان در مخالفت با مصوبه مجلس حکایت دارد؛ نقشی که البته در رسانه‌ها روایتی خلاف آن منتشر شده و نمایندگانی که در این باره مصاحبه کرده‌اند ایرادات شورای نگهبان را صرفاً شکلی و غیرعمیق توصیف کرده بودند. پیش‌تر حمیدرضا کاظمی، نایب‌رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای ایرادات شورای نگهبان به طرح اصلاح موادی از قانون اساسی را شکلی توصیف کرده و گفته بود: «ایرادات شورای نگهبان به این طرح عمیق و اساسی نیست، این‌کشینه ۲۸ خرداد ضمن اینکه همه ایرادات شورای نگهبان به طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس را رفع شده توصیف کرده، علت حذف ماده ۵۳ را نیز نظر هیات عالی نظارت مجمع تشخیص دانسته بود. به این ترتیب شورای نگهبان یا صرفاً با استناد به چند ایراد شکلی و غیرعمیق طرح را به مجمع تشخیص ارجاع داده که این اقدامش تطابقی با قانون اساسی و جایگاهی که برای مجمع تشخیص در نظر گرفته‌ند ندارد و اینکه ایرادات شرعی و اساسی را بر طرح وارد داشته است که این امر نیز کاملاً برخلاف اظهارات نمایندگان مجلس بوده و این مطالعه وجود دارد که با نمایندگان اظهارات خود را اصلاح کرده و ایرادات اساسی شورای نگهبان را ذکر کنند یا خود شورا مسئولیت اقدام خود را بعهده گرفته و با قایم شدن پشت جمع تشخیص مصلحت نظام از خود مسئولیت نکند.

سیاست

دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۲، شماره ۲۸۹۱



چرا نقد جدی گفتمانی در فضای سیاسی کشور به سختی شکل می‌گیرد؟

ابتدال در انتقاد

اقتصادی، دستاوردی در حوزه سیاسی محسوب می‌شود، اما کفه نقدهایی که شباهت زیادی به بهانه‌گیری داشت، از نقدهای منصفانه سنگین‌تر بود. نکته قابل توجه این است که نقد به هر موضوعی، فارغ از سیاسی‌کاری، قابل تأمل و مورد پذیرش است اما وقتی رنگ‌بوی جناح‌بازی و عقده‌گشایی‌های سیاسی به خود می‌گیرد، هم قابل توجیه نیست هم مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد و سبب می‌شود که دیگر نقدهای منصفانه‌ای که به عملکردها مطرح می‌شود نیز در کنار همین بهانه‌گیری‌ها تعریف شود و مورد توجه قرار نگیرد.

ماجرای نقد به اظهارات فرمانده انتظامی مازندران

در چند روز اخیر ویدئویی از فرمانده انتظامی مازندران منتشر شد که در جریان بازداشت سارقان و زورگیران دستگیرشده در جاده هراز، گفته بود: «کسانی که خواستند در شهرستان‌های ما ناهنجاری بکنند را به حکم قانون گردنش را بشکنید، پاسخش هم با من.» ویدئوی تقطیع‌شده‌ای که منتشر شده بود، باعث شد عده‌ای فکر کنند فرمانده انتظامی مازندران در واکنش به برخورد با بی‌حجابان این جمله را گفته است البته بعد مشخص شد که فرمانده انتظامی برای نشان دادن برخورد قاطع با زورگیران از این لفظ استفاده کرده است. موضوعی که البته معان اول قوه قضائیه نیز در واکنش به آن گفت: «این‌طور نیست که فرمانده انتظامی مازندران گفته باشد اگر کسی بی‌حجاب باشد گردنش را می‌شکنیم بلکه سخنان ایشان در رابطه با افراد شرسور و کسانی که امنیت برهم می‌زنند برای سرقت‌های مسلحانه بوده است. فیلم پخش شده هم تقطیع شده است. گرچه این ادبیات وی خوب و در شان یک فرمانده نبوده است.» پیش از مشخص شدن این موضوع که اظهارات فرمانده انتظامی مازندران ناظر به چه کسانی بوده، عده انتقادات وارد شده به این جمله تا جایی پیش می‌رفت که گویی فرمانده انتظامی این استان واقعا فرمان به اجرای چنین حکمی داده است. حال اگر ماجرا از این زاویه روایت می‌شد که پلیس در برخورد با زورگیران چنین اظهارنظری را مطرح کرده‌شده، قضاوت‌ها را در این رابطه متفاوت می‌کرد. در این میان اگر چه می‌شود نقدهایی به عملکرد پلیس در موارد مختلف وارد کرد و به بررسی آنها پرداخت اما نقدکردن و زیر سوال بردن نیروی انتظامی با جمله‌ای که فرمانده انتظامی مازندران خطاب به زورگیران گفته بود، بیش از اینکه نقد باشد، به بزرگ‌نمایی یا هیاهو ساختن از هیچ شباهت بیشتری دارد.

ماجرای اظهارات میرسلیم درباره تفاوت لندکروز و ۲۰۶ وساعت ۶میلیاردی

۲ خرداد مناظره‌ای با حضور مصطفی میرسلیم و جلال رشیدی کوچی، نماینده مجلس درباره طرح واردات خودروی کارکرده در شبکه ۵ برگزار شد. در این میان بعد از صحبت رشیدی کوچی که گفته بود: «اگر شما قادر باشید یک مدل تویوتا لندکروز مدل سه سال کارکرد را با قیمت یک میلیارد تومان خریداری کنید. حاضرید بروید این را بخرید یا بروید یک ۲۰۶ یا ۲۰۷ یا یک میلیارد تومانی بخرید؟» میرسلیم در پاسخ گفت: «فرقی نمی‌کند. الان می‌گویید در کشور مشکلی داریم تحت این عنوان که مردم برای اینکه پول شان آب نشود روی خودرو سرمایه‌گذاری می‌کنند آقای رشیدی می‌فرمایند که خودروی وارداتی جذابیت بیشتری دارد حتی دست‌دومش، بسیار خوب، اگر این‌طور است پس مردم سرمایه‌شان را آنجا خواهند گذاشت.... آنچه از این گفت‌وگو برداشت شد این بود که میرسلیم می‌گوید میان لندکروز با ۲۰۶ تفاوتی وجود ندارد. اما نکته‌منظور میرسلیم بود این بود که تفاوت ندارد مردم نقدینگی‌شان را کجا وارد می‌کنند. با این حال اما آنچه بیشتر مورد توجه قرار گرفت و نقدهای زیادی را به میرسلیم وارد کرد، برداشت ابتدایی بود که از صحبت‌های او صورت گرفته بود. این موضوع البته تنها حاشیه‌ای نبود که از این مناظره منتشر شد. شایعاتی هم در این رابطه مطرح شد این بود ساعتی که

در این مناظره دست میرسلیم بود ۶میلیارد قیمت دارد. فارغ از نقدهای زیادی که به عملکرد و نوع اظهارنظرهای مصطفی میرسلیم وارد و قابل بحث است، اما اظهاراتی که درباره تفاوت لندکروز و ۲۰۶ وساعت چندمیلیاردی او منتشر شد، شایعاتی بود که در واقع حقیقت نداشت. او خودش بعدا در واکنش به این اظهارنظری که از او منتشر شده بود گفت: «مراد ما از این مساله اشتراک در هدف دو خودرو بود، یعنی ترابری و حمل‌ونقل؛ خود خودروی مدنظر به لحاظ حمل‌ونقلی یک هدف را دنبال می‌کند و از این حیث فرقی ندارد.» نقد به نظرات میرسلیم درباره موضوع واردات خودرو البته نکته‌ای است که در موارد مختلف و از سوسی اشخاص مختلف مطرح شده اما نکته‌ای که در این میان کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، این است که عده‌ای در انتقاد کردن جانب‌انصاف را رعایت نمی‌کنند و صرفا در مسیر عقده‌گشایی و تخریب شخص حرکت می‌کنند. در آخرین نمونه هم نحوه برخورد یک نفر با میرسلیم در تجمعی چهارچوب همین نقد غیرمنصفانه قرار می‌گیرد که چه‌سپاس نقد به اصل موضوع را هم با این رفتار خارج از عدالت، زیر سوال می‌برد و باعث می‌شود تا نظرات منتقدان منصف و مدافعان واردات خودروهای کارکرده نیز زیر این ادبیات زرد مدفون شود.

وزیر آموزش و پرورش و قصه دربی

۹ خردادماه بود که صحرایی بعد از گرفتن رای اعتماد از مجلس، به‌عنوان وزیر آموزش و پرورش انتخاب شد. موضوع عدالت آموزشی و گسترش مدارس غیرانتفاعی با هزینه‌های سرسام‌آوری که هرسال بیشتر می‌شود از جمله مهم‌ترین موضوعاتی است که نیاز است وزیر آموزش و پرورش برای حل و رفع و رجوع آنها برنامه‌ریزی و دستور کار مشخصی را ترسیم کند، با این حال اما خبری که فدای رای اعتماد وزیر مورد توجه برخی رسانه‌ها قرار می‌گیرد پاسخ صحرایی به سوالاتی است که درباره دربی پایتخت از او می‌شود و با این تیتتر: «آقای صحرایی وزیر جدید آموزش و پرورش است که حتی نمی‌داند دربی چیست و در پاسخ خبرنگار می‌گوید هنوز برای آن تصمیمی نگرفته است.» منتشر می‌شود. سوالاتی که اینجا باید پرسید، این است که با فرض اینکه گزاره مطرح شده صحیح باشد یا خیر، اساسا پاسخ مثبت یا منفی به آن چه تاثیری در عملکرد وزیر آموزش و پرورش در سمت جدید خواهد داشت؟ نکته دیگر این است که اگر قرار است نقدی متوجه وزیر آموزش و پرورش باشد، نکات مهم‌تری وجود دارد که می‌شود آن را طرح کرد. حال پرداختن به مواردی که نه مطرح کردن آن دردی را دوا و نه مشکلی را حل می‌کند، بیشتر شبیه به یک تخریب ناعادلانه است تا نقد منصفانه.

آزادی پول‌های بلوکه‌شده و خودتحمیری عده‌ای

چندروز پیش بود که خبری مبنی بر آزادی ۷میلیارد دلار پول بلوکه‌شده ایران در کره جنوبی منتشر شد. آزادی ۳میلیارد دلار پول بلوکه‌شده ایران در عراق هم خبر دیگری بود که از آزادی پول‌های بلوکه‌شده ایران خبر می‌داد. واضح است که در شرایط اقتصادی فعلی حجم مقادیر ارزی که در رسانه‌ها صحبت از آزادی‌سازی آنها شده تا حدی می‌تواند بر کنترل قیمت ارز و فروکش کردن آن موثر باشد. شاید نتوان مقادیر ذکرشده را در مقابل حجم اقتصادی که تجارت کشور را شامل می‌شود بسیار بزرگ ارزیابی کرد اما این مقادیر آنقدر ناچیز هم نیست که بتوان آن را نادیده گرفت. فارغ از بعد اقتصادی اصل این خبر که ایران توانسته علی‌رغم کوتاه‌نیامدن در برابر مطالبات طرف‌های غربی به سمت آزادسازی منابع ارزی حرکت کند، خرسندکننده است. اما عده‌ای با نادیده گرفتن همین مقدار از موفقیت ترجیح می‌دهند با مطرح کردن این گزاره که «مگر ۷میلیارد دلار چقدر است که باید برای آزادسازی اش خوشحال باشیم، هم در راستای کوچک‌سازی دستاوردها و موفقیت‌های خارجی محل خوبی برای آن نبوده و منافع ملی را به قربانگاه حب و بغض‌های سیاسی و جناحی می‌کشاند.

اجناس مصرفی مردم شوند. جدای از اینکه آزادسازی اموال کشور در هر جای دنیا و با هر مبلغی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است اما به‌نظر می‌رسد عده‌ای در راستای جناح بازی و سیاسی‌کاری‌هایشان به دنبال نادیده گرفتن اتفاقاتی هستند که فارغ از سیاسی‌بازی‌های داخلی، اتفاق مثبتی به حساب می‌آید. این موضوع در ماجرای مذاکراتی که برای برقراری روابط ایران و مصر در جریان است نیز اتفاق افتاد و برخی ادعا کردند که «از ۲۵ سال پیش دولت‌ها به برقراری روابط با مصر تمایل داشتند، اما مجوزی در اختیار نداشتند.» تا هرچه بیشتر در مسیر کوچک‌نمایی موفقیت‌های رخ داده در عرصه بین‌المللی حرکت کنند.

قصه افزایش جمعیت و تمسخر چندبازه

ضرورت توجه به افزایش جمعیت و جدی گرفتن بحران جمعیت که در چندسال آینده تبدیل به معضل خواهد شد، موضوعی است که چندین‌بار توسط رهبر انقلاب مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است، مساله‌ای که بی‌توجهی به آن در بلندمدت آسیب‌های زیادی را متوجه جامعه خواهد کرد. معضل سقط جنین هم مساله‌ای است که در این چهارچوب قرار می‌گیرد و افزایش آن بین‌حران را تشدید می‌کند. حالا در این میان عده‌ای به بهانه منتشر شدن تصویر یک بتر که در شهرستانی نصب‌شده به تمسخر این موضوع پرداخته‌اند. در مورد سیاست‌گذاری‌هایی که تاکنون در راستای افزایش جمعیت صورت گرفته‌اند اقدام مثبت و منفی رخ داده که برخی قابل دفاع و برخی نیز قابل نقدند. اما موضوعی که نباید فراموش کنیم، این است که مساله افزایش جمعیت معضل مهم جامعه ماست که باید برای مدیریت آن تصمیمات درست و دقیقی صورت بگیرد. حال اگر نقد درست و دقیق به برخی از این تصمیمات وارد باشد، می‌شود از آن در جهت تصمیم‌گیری بهتر استفاده کرد اما تمسخر و بهانه‌گیری در این راستا مشکلی را حل نمی‌کند و تاثیری در جلوگیری از بحران‌ی که آینده کشور را گروگان گرفته است، نخواهد داشت.

سفر مهم وزیر خارجه سعودی به ایران و حاشیه‌سازی‌های بی‌اهمیت

روز شنبه بن‌فرحان، وزیر خارجه سعودی بعد از هفت سال قطع رابطه به ایران آمد. اتفاق مثبتی که بعد از توافق ایران و عربستان و بازگشایی مجدد سفارتخانه‌ها رخ داد تا پالس دیگری باشد از اینکه روابط ایران و عربستان روی ریل تعادل و تعامل حرکت می‌کند. دستاوردهای امنیتی این توافق تا حدی بوده که بنابر اعتراف رسانه‌های صهیونیستی شرایط بعد از این توافقات برای آنها دشوار شده و اسرائیل به سمت منزوی شدن در منطقه سوق داده شده است. این توافق همچنین بسیاری از کشورهای دیگر منطقه را نیز به تبعیت از عربستان به توسعه روابط با ایران ترغیب کرده است. اما در این میان آنچه توسط برخی مورد توجه قرار گرفت تغییر سائلن نشست خبری دو کشور بود. فارغ از دلایلی که برای وقوع این اتفاق مطرح می‌شود. سوال این است که آیا اهمیت این موضوع از خبر سفر وزیر خارجه عربستان به ایران آن پس از ۷ سال خیلی مهم‌تر است که برخی ترجیح داده‌اند پرداختن به آن را در کانون توجه خود قرار دهند؟ توجه بیش از حد رسانه‌ها و چهره‌های داخلی به این موضوع حاشیه‌ای باعث شد اصل اتفاقی که رخ داده در برخی محافل خارجی به حاشیه رانده شود و بهانه‌جویی برای تقابل مجدد دو کشور موضوعیت پیدا کند. تقابلی که بیش از همه آمریکا و رژیم صهیونیستی را خرسند خواهد کرد. به‌نظر می‌رسد برخی حاشیه‌سازی‌های بی‌مورد در سفر مهم وزیر خارجه سعودی به ایران، صرفا تسویه‌حساب‌های جناحی و سیاسی را هدف قرار داده‌است؛ تسویه‌حساب‌هایی که حداقل عرصه سیاست خارجی محل خوبی برای آن نبوده و منافع ملی را به قربانگاه حب و بغض‌های سیاسی و جناحی می‌کشاند.